

ترجمه ای از:

ایمان و عقل

الیزابت جکسون، دانشگاه رایرسون

پیش‌نویس پیش از چاپ برای دستنامه فلسفه و دین (به ویراستاری مارک لمپورت)

برگردان: اشکان مهر روشن

این ترجمه در آینده با نسخه چاپ شده آن در اینجا به روز می‌شود:

WWW.Negahehandisheh.Wordpress.Com

A translation of:

Reason and Faith

Elizabeth Jackson, Ryerson University

Forthcoming in the Handbook of Philosophy and Religion

(Mark A. Lamport, ed.)

Translation by: Ashkan M. Roshan

This translation will be updated following the printed version here:

WWW.Negahehandisheh.Wordpress.Com

چکیده: ایمان چیست؟ ایمان چه تفاوتی با باور داشتن و امید دارد؟ آیا ایمان غیرعقلانی است؟ در غیر این صورت، چگونه می‌تواند فراتر از از شواهد برود؟ این فصل خواننده را با پرسش‌های فلسفی شامل ایمان و عقل آشنا می‌کند. ابتدا تعریفی چهار بخشی از ایمان را بررسی می‌کنیم. در مرحله بعد، این پرسش را بررسی خواهیم کرد که ایمان چگونه می‌تواند عقلانی باشد اما فراتر از شواهد برود.

ایمان چیست؟

ایمان دارم که تیم بسکتبال محبوبم در بازی پیش روی خود پیروز خواهد شد. ایمان دارم که اهداف تابستانی خود را محقق خواهیم کرد. به همسرم ایمان دارم، به بازیافت، به خود و به خدا ایمان دارم. همانطور که این مثال‌ها نشان می‌دهند، ایمان بخشی مهم در زندگی ماست - ایمان نه تنها برای دین بلکه برای روابط میان فردی^a، تعهدات ما نسبت به گروه‌ها (مانند تیم‌های ورزشی) و آرمان‌ها (مانند بازیافت) و جاه‌طلبی‌های فردی ما نیز مهم است (مانند اهداف تابستانی من). اما ایمان چیست؟ هرچند که در درک سنتی، ایمان رابطه‌ای منحصر به فردی با عقل دارد - ایمان به نظر «فرا تر از شواهد می‌رود». معنای آن چیست؟ آیا ایمان قادر است فراتر از شواهد رفته اما با این وجود [کماکان] عقلانی^b باشد؟ اینها پرسش‌هایی هستند که در این فصل بررسی خواهند شد.

ایمان انواع مختلفی دارد، بنابراین لازم است نوع ایمانی را که در اینجا بر آن متمرکز شده ایم را روشن کنیم. در این بخش، هم ایمان دینی و هم غیر دینی را در نظر خواهیم گرفت. این فصل در وهله نخست، بر ایمان به درستی چیزی متمرکز خواهد بود^c که به آن *ایمان گزاره‌ای*^d نیز گفته می‌شود. ایمان گزاره‌ای *ایمان* به درستی یک جمله - یا یک گزاره است. برای نمونه، *ایمان* به اینکه خدا وجود دارد، *ایمان* به اینکه برادرم شغل رویایی خود را بدست خواهد آورد، ایمان به اینکه در نهایت، همه چیز خوب پیش می‌رود. این تصور که ایمان گزاره‌ای نوعی حالت روانی، شبیه به یک باور یا یک خواست^e است، طبیعی است. نزدیک به پایان مقاله، فراتر از ایمان گزاره‌ای خواهیم رفت و درباره *ایمانی فعال*^f بحث خواهیم کرد.

در میان پرسش‌های اصلی که به آن خواهیم پرداخت، این است که چگونه ایمان می‌تواند عقلانی باشد اما «فرا تر از شواهد» برود. اما عقلانی بودن ایمان بستگی به این دارد که ایمان چیست. بنابراین، در ادامه به این پرسش بازخواهیم گشت و درباره چهار مولفه مختلف ایمان بحث خواهیم کرد. همچنین تشریح خواهیم کرد که تفاوت ایمان نسبت به حالات مشابه، مانند باور و امید در چیست و سپس به عقلانیت ایمان خواهیم پرداخت. سه راه متخلف را بررسی خواهیم کرد که در آنان، ایمان از نظر معرفتی عقلانی است اما با اینحال «فرا تر از شواهد» می‌رود. در پایان، افعال ایمانی را مورد بررسی کرده و تشریح می‌کنیم که چگونه افعال عقلانی ایمان نیز ممکن است فراتر از شواهد بروند.

مولفه های ایمان

اولین بخش از کار ما پاسخ به این پرسش است که «ایمان چیست؟» بسیاری از فلاسفه تصور میکنند که ایمان گزاره ای با چندین مولفه است. این موارد را به چهار قسمت تقسیم خواهیم کرد:

(1) ایمان یک مولفه باور-مانند^g دارد.

(2) ایمان یک مولفه خواست-مانند^h دارد.

(3) ایمان شامل یک تعهد است.

(4) ایمان فراتر از شواهد می‌رود.

اجازه دهید هرکدام از این مولفه ها را به ترتیب بررسی کنیم. ابتدا اینکه ایمان یک مولفه باور-مانند دارد. اگر ایمان به درستی چیزی دارید، تا حدی اعتماد به نفس دارید که واقعیت دارد، به عبارتی، تصور میکنید که آن چیز محتمل بوده یا توسط شواهد پشتیبانی می شود. برخی از فلاسفه استدلال می کنند که این بدان معناست که ایمان همیشه شامل یک باور است. آن‌ها ادعا می کنند که اگر من به این ایمان داشته باشم که تیم من در بازی خود پیروز خواهد شد، باید باور داشته باشم که آنها پیروز می شوند. همچنین اگر ایمان دارم که خدا وجود دارد، باید باور داشته باشم که خدا وجود دارد. دیگر فلاسفه استدلال می کنند که ایمان لزوماً همیشه شامل یک باور نیست. می‌توانم به برد تیم خود ایمان داشته باشم، برای مثال، چنانچه فکر کنم احتمال پیروزی آنها حداقل 50٪ است یا چنانچه تصور کنم آن‌ها احتمالاً پیروز خواهند شد. با این حال، من نباید باور کنم که آنها پیروز خواهند شد تا ایمان داشته باشم.

یکی از دلایل برای اینکه ایمان همیشه شامل یک باور است، این است که اگر ایمان داشته باشم اما باور نداشته باشم، به نظر می‌رسد که من فقط آن [باور] را جعل کرده‌ام یا تظاهر می‌کنم. اگر من باور ندارم که خدا وجود دارد، برخی اظهار می‌کنند که من نمی‌توانم یک تعهد واقعی دینی داشته باشم - ایمان دینی نیازمند باور به وجود خدا دارد.¹ اما بسیاری از فلاسفه با این نظر مخالف هستند؛ نمی‌خواهیم کسانی را که دچار تردید هستند

¹ برای استدلالی در این راستا که ایمان همواره شامل باور است، بنگرید به:

Malcolm, Finlay, and Michael Scott. (2016). "Faith, Belief, and Fictionalism." *Pacific Philosophical Quarterly* 98(1): 257– 274.

را از داشتن ایمانی دینی کنار بگذاریم. در واقع ، آنها استدلال می‌کنند که یکی از کارکردهای ایمان بازی دادن به ما است تا به تعهدات خود در برابر تردیدها، حتی تردیدهایی که باور را شامل نمیشوند، ادامه دهیم.^۲ در اینجا به این بحث وارد نمی‌شویم، اما خوشبختانه شکلی که ایمان را به واسطه آن تعریف کرده‌ایم وارد این بحث‌ها و جدال‌ها نمی‌شود. اگر ایمان شامل یک مولفه «باور-مانند» باشد، ممکن است بوضوح، این مولفه یک باور باشد. اما می‌تواند چیز دیگری نیز باشد: این تصور که جمله‌ای احتمالاً درست است، این تصور که احتمال درست بودن آن بیش از نادرست بودن آن است یا اعتماد به نفس به اینکه [جمله‌ای] درست است. در هر صورت، ایمان با این تصور که جمله‌ای یک غیرممکن یا تقریباً قطعاً نادرست سازگار نیست.

دوم، ایمان مولفه‌ای خواست-مانند دارد. برای فهم این مولفه، چند نمونه را در نظر بگیرید. فرض کنید من ادعا می‌کنم که ایمان دارم تیم بسکتبال شما در بازی پیش روی خود پیروز خواهد شد، اما واقعاً می‌خواهم آنها ببازند یا فرض کنید من ادعا می‌کنم ایمان دارم که خدا وجود دارد، اما واقعاً امیدوارم که خدا وجود نداشته باشد. این نمونه‌ها با عقل جور در نمی‌آیند به این دلیل که ایمان شامل یک خواست است، خواست به صادق بودن گزاره مورد نظر است. اگر ایمان داشته باشم که خدا وجود دارد، می‌خواهم خدا وجود داشته باشد و/یا فکر می‌کنم وجود خدا چیز خوبی خواهد بود. اگر به اینکه تیم شما پیروز خواهد شد، ایمان داشته باشم، می‌خواهم که تیم شما پیروز شود. بنابراین ایمان شامل خواست است؛ ایمان به صحت یک گزاره شامل خواستن صحت آن گزاره است.

سوم، ایمان شامل تعهد است. ایمان بخشی کلیدی از چیزی است که به ما کمک می‌کند تعهدات خود را به مرور زمان حفظ کنیم. چنانچه ایمان داشته باشم که تیم شما در بازی آینده خود پیروز خواهد شد، نوعی تعهد نسبت به تیم شما خواهم داشت. چنانچه ایمان داشته باشم که خدا وجود دارد، ایمان من شامل یک تعهد دینی است. تعهدات مختلفی که شخص ممکن است داشته باشد را در نظر بگیرید: تعهد به اتمام یک مدرک تحصیلی، تعهد به یادگیری یک ساز جدید، تعهد ازدواج یا تعهدی دینی. وفادار بودن به این تعهدات میتواند دشوار باشد - دلسرد می‌شویم ، به خود یا دیگران شک می‌کنیم، خواست‌ها و اشتیاق مان کم‌رنگ می‌شود و/یا شواهدی مخالف به دست می‌آوریم که باعث می‌شود از خود برپسیم که آیا در وهله اول باید به این مورد متعهد می‌بودیم؟ ایمان

^۲ برای این استدلال که ایمان همیشه شامل باور نیست، بنگرید به

Pojman, Louis. (1986). "Faith Without Belief?" *Faith and Philosophy* 3(2): 157-176.

در عبور از این موانع و در نگهداشتن تعهدات ما، به ما کمک میکند. به عبارت دیگر، ایمان مقاوم [تاب‌آور] است.^۲

ممکن است از خود بپرسید که آیا ایمان همیشه شامل یک تعهد است؟ ایمان دارم که صندلی دفترکارم مرا نگه می‌دارد. آیا من واقعاً به صندلی دفتر خود متعهد هستم؟ معتقدم پاسخ مثبت است و این تعهد را با نشستن روی صندلی خود هر روز نشان می‌دهم (معمولاً، بدون اینکه دو بار در مورد آن فکر کنم). با این حال، برخی از تعهدات ما بیش از دیگر تعهدات ما مهم هستند. تعهد ازدواج یا یک تعهد دینی در زندگی اکثر مردم از تعهد من به صندلی دفترم مهم‌تر است. به همین ترتیب، ایمان مرتبط با دین و ازدواج از باور من به این که صندلی من را در خود نگه می‌دارد، مهم‌تر و مقاوم‌تر است. بنابراین، همه تعهدات ایمانی برابر نیستند.

آخرین مولفه ایمان این است که فراتر از شواهد می‌رود. این مولفه در ارتباط با مولفه سوم است. ایمان به ما کمک می‌کند تعهدات خود را حفظ کنیم از/این رو که فراتر از شواهد می‌رود. ممکن است شواهد مخالفی را دریافت کنیم که باعث می‌شود تعهد آغازین خود را زیر سوال ببریم. به عنوان مثال، شما ممکن است برای مدرک دانشگاهی خود به یک موضوع خاص متعهد شوید، اما چند ماه بعد از تحصیل، متوجه می‌شوید که کلاس‌های مورد نیاز بسیار دشوار و طاقت فرسا هستند. ممکن است از خود بپرسید که آیا آنچه برای موفق شدن در این رشته تحصیلی نیاز است را در خود دارید یا نه؟ یا ممکن است شما یک تعهد دینی داشته باشید، اما بعداً با شواهدی روبرو شوید - مانند شرورهای جدی و وحشتناک جهان - که خدایی کاملاً خوب وجود ندارد. در هر صورت، ایمان می‌تواند به شما در ادامه تعهد خود کمک کند و اگر شواهد گمراه‌کننده باشد - بنابراین معلوم می‌شود که شما واقعاً در مقطع تحصیلی خود آنچه نیازمند آن هستید را دارید یا اینکه خدا وجود دارد - پس این چیزی بسیار خوب است. در بخش بعدی به این ایده باز خواهیم گشت که ایمان «فراتر از شواهد می‌رود».

اکنون که چهار مولفه ایمان را ارائه کرده ایم، میتوانیم بررسی کنیم که ایمان چگونه با دو حالت مرتبط مقایسه می‌شود: باور و امید. پیش از این، در مورد این بحث که آیا ایمان همیشه شامل باور است یا نه بحث کرده ایم.

³ برای اطلاعات بیشتر درباره مقاومت ایمان، بنگرید به: اثر نویسنده (در انتظار چاپ)
"Belief, Faith, and Hope: On the Rationality of Long-Term Commitment." Mind.

همچنین به:

Buchak, Lara. (2017). "Faith and steadfastness in the face of counter-evidence." International Journal for Philosophy of Religion 81: 113-133.

حتی اگر ایمان همیشه شامل باور باشد، با این حال، این به معنای یکی بدون ایمان و باور نیست. در حقیقت، دلیل خوبی وجود دارد که فکر کنیم ایمان و باور همیشه همراه هم نیستند. دلیل آن این است که باور همیشه شامل یک خواست نیست. ممکن است باور داشته باشید که یک همه‌گیری جهانی وجود دارد یا اینکه پیک نیک شما با باران خراب شد، اما به درست بودن اینها ایمان ندارید. این بدان دلیل است که ایمان نیازمند خواست است، اما باور اینطور نیست. حتی فیلسوفانی که فکر می‌کنند ایمان شامل باور است، با این نکته موافق هستند. فقط به این دلیل که ایمان همیشه شامل یک باور است، به معنای این نیست که باور همیشه شامل ایمان است. به عبارت دیگر: باور ممکن است برای ایمان لازم باشد، اما این به معنای کافی بودن آن نیست.

دوم، ایمان با امید متفاوت است. البته ایمان و امید اشتراکات زیادی دارند. ایمان و امید هر دو شامل خواست هستند - خواه ایمان داشته باشم که شما در بازی خود پیروز خواهید شد و خواه اینکه امیدوار باشم که شما در بازی خود پیروز شوید، [در هر دو صورت] می‌خواهم که در بازی خود پیروز شوید. با این حال، ایمان و امید یک چیز نیستند. دلیل این امر آن است که، طبق شرط اول، ایمان به حالت باور-مانند نیاز دارد؛ ایمان به درست بودن گزاره با تصور نادرست یا تقریباً کاملاً قطعاً نادرست بودن یک گزاره، سازگار نیست. با این حال، امید به درست بودن گزاره ای، نیاز به این دارد که درستی جمله‌ای صرفاً ممکن باشد، [به عبارتی درستی]، همان جمله ممکن است بسیار بعید باشد، به عنوان مثال، فرض کنید من برای فردا یک پیک‌نیک برنامه ریزی کرده‌ام. من پیش‌بینی وضعیت هوا را چند روز پیش بررسی کردم و حتی اگر فردا 30٪ احتمال بارندگی داشته باشد، ایمان دارم که پیک‌نیک من با باران خراب نخواهد شد. فرض کنید این پیش‌بینی تغییر کند و اکنون 95٪ احتمال بارندگی وجود دارد. دیگر نمی‌توانم ایمان داشته باشم که پیک‌نیک من با باران خراب نخواهد شد، چراکه [در این حالت] چنین رخدادی بسیار بعید است. حداقل، اگر باور داشته باشم (یا نگرشی باور-مانند داشته باشم، مانند اعتماد به نفس بالا) که فردا آفتابی خواهد بود، آنگاه در وضعیتی غیرعقلانی¹ خواهم بود. ایمان به نوعی نیازمند حداقل سطح اعتماد به نفس است: صرفاً فقط امکان صدق یک جمله کافی نیست بلکه باید به حد کافی محتمل باشد. با این حال، حتی اگر این حداقل سطح از اعتماد به نفس را نداشته باشم، با این وجود حتی اگر به چنین حداقلی از اعتماد به نفس نیز نرسم، هنوز میتوانم، با این همه، امید داشته باشم که فردا، احتمال بارندگی بسیار زیاد خواهد بود، احتمال بسیار زیاد باران خواهد آمد اما [این احتمال] تضمین شده نیست. و پیش‌بینی

گاهی اشتباه است و من نیز، تمایل زیادی به آفتابی بودن هوا دارم. بنابراین زمانی میتوانیم به درستی چیزی امیدوار باشیم که [آن چیز] آنقدر بعید است که نتوان به آن ایمان داشت.

به طور خلاصه، درباره چهار ویژگی ایمان بحث کردیم: ایمان شامل یک مولفه باور-مانند، مولفه‌ای خواست-مانند، یک تعهد و فراتر رفتن از شواهد است و همچنین تفاوت ایمان با باور و امید را شرح دادیم. در مرحله بعد، به رابطه بین ایمان و عقلانیت خواهیم پرداخت و بر شرط چهارم متمرکز خواهیم شد یعنی معنای فرای شواهد رفتن.

ایمان و عقلانیت

عقلانیت ایمان: سه دیدگاه

در مورد عقلانیت ایمان سه دیدگاه وجود دارد: ایمان همیشه عقلانی است، ایمان همیشه غیرعقلانی است و ایمان گاه عقلانی است و گاه غیرعقلانی است. برخی ممکن است [در اینجا] به همیشه عقلانی بودن ایمان تمایل داشته باشند. به هر حال، ایمان بخشی مهمی از تعهدات ما چه دینی و چه غیر دینی است. اگر ایمان چنین نقش اساسی را ایفا می‌کند، ممکن است همیشه منطقی باشد.

با این حال، این قضاوت بسیار عجولانه است. اگر ایمان داشته باشیم که طالع‌بینی من پاسخ تمام مشکلات من خواهد بود، یا ایمان داشته باشیم که توپ جادویی من همیشه حقیقت را بیان می‌کند، احتمالاً ایمان من عقلانی نیست. این ایده که ایمان عقلانی است آن هم صرف نظر از هر ملاحظاتی، [ادعایی] بیش از حد قوی است. عقلانی بودن ایمان به موضوع [هدف] ایمان بستگی دارد.

برخی آونگ را به سمت مخالف می‌چرخانند و اصرار دارند که ایمان همواره غیرعقلانی است. به هر حال، اگر ایمان رابطه‌ای متلاطم با شواهد دارد و فراتر از شواهد میرود، چگونه می‌تواند عقلانی باشد؟ کسانی که تصور می‌کنند ایمان غیر عقلانی است، در دو گروه اصلی قرار می‌گیرند. گروه اول فکر می‌کند ایمان غیر عقلانی است و اینکه ایمان چیز بدی است. ایمان مضر است و باید از ایمان به هر قیمتی پرهیز کنیم. نوآئیست‌ها، مانند ریچارد داکینز و سم هری، دیدگاهی مشابه به این دارند.⁴ نوآئیست‌ها اما اغلب ایمان را با ایمان دینی پیوند می‌دهند

⁴ برای خلاصه‌ای از سخنان نوآئیست‌ها در مورد ایمان و پاسخی به استدلال‌های آنان، بنگرید به:

Jackson, Elizabeth (2019). "The Nature and Rationality of Faith." (2020). A New Theist Response to the New Atheists (Joshua Rasmussen and Kevin Vallier, eds.), pp. 77–92. New York: Routledge.

اما از شناخت نقش مهمی غیردینی ایمان بازمانده اند، در روابط میان فردی ما و تعهدات طولانی ما. حتی اگر ایمان گاهی غیر عقلانی باشد، نباید از همه را به یک چوب بزنیم. ایمان ایفای نقش میکند، حتی برای کسانی که دین را رد می‌کنند.

گروه دوم فکر می‌کند ایمان غیرعقلانی است اما در واقع این یک چیز خوب است. این دیدگاه به *ایمان‌گرایی* معروف است. کی‌یرکگارد برای این دیدگاه استدلال کرد و تصور میکرد که ایمان از آن جهت که پوچ است، ارزشمند است: «پوچ، یا فعل پوچ، فعلی ایمانی است».⁵ مشکل ایمان‌گرایی این است که ایمان، بهتر یا تحسین برانگیزتر نمی‌شود اگر شواهد ما بدتر شوند. به عنوان مثال، فرض کنید من ایمان دارم که شما در بازی بسکتبال پیش‌روی خود پیروز خواهید شد. برای رسیدن به بازی‌های اصلی، باید در این بازی برنده شوید. من به بازی شما آمده و می‌بینم که تیم شما کاملاً نابود شده و با اختلاف 40 امتیاز می‌بازد. شواهد من تعیین کننده است: دیگر نمی‌توانید در بازی‌های اصلی حضور پیدا کنید. چنین چیزی غیر ممکن خواهد بود. با این وجود، من این شواهد را نادیده می‌گیرم و همچنان ایمان دارم که شما در بخش اصلی، بازی خواهید کرد. ایمان من پوچ و غیرعقلانی است. اما سخت میتوان درک کرد که چطور این ایمان یک چیز خوب است. اگر در بازی اصلی پوشیده از رنگ بر بدنم که برای تشویق تیم شما آماده شده و حضور داشته باشم، ایمان فوق العاده من را تحسین نخواهید کرد - میگوئید توهم زده‌ام. اگر به درست بودن گزاره‌ای ایمان داشته باشم و سپس اثبات قانع کننده ای درباره دروغ بودن آن دریافت کنم، نباید به ایمان خود ادامه دهم. ایمان ممکن است فراتر از شواهد برود، اما ایمان عقلانی خلاف شواهد نیست. پوچی ایمان را بدتر می‌کند، نه بهتر.

با آنچه گفته شد، فقط دیدگاه سوم باقی‌مانده: ایمان گاه عقلانی است و گاه غیرعقلانی. این دیدگاه از ایما، معقول‌ترین آن‌ها است. در این دیدگاه، ایمان مانند باور است: باورهای ما می‌تواند عقلانی باشد (به عنوان مثال باور من به $2 = 1 + 1$) و باورهای ما ممکن است غیرعقلانی باشد (به عنوان مثال، باور که شما به بازی‌های اصلی راه خواهید پیدا کرد). به همین ترتیب، گاهی ایمان عقلانی است و گاهی ایمان غیرعقلانی است.

⁵ Kierkegaard, Søren. (1849) Journals (Princeton, NJ: Princeton University Press)

فراتر از شواهد رفتن

دلیل خوبی داریم که فکر کنیم ایمان، حداقل گاهی اوقات، عقلانی است. همچنین دلیل دلیلی مطلوبی برای این داریم که ایمان فراتر از شواهد است - همانطور که در مورد آن بحث کردیم، این بخشی از چگونگی ایمان است که به ما کمک می کند به مرور زمان تعهدات خود را حفظ کنیم، به ویژه زمانی که شواهد خلاف دریافت میکنیم. اما چگونه میتوان این ایده را فهم کرد؟ آیا «فراتر رفتن از شواهد» می تواند عقلانی باشد؟ اکنون به این پرسش خواهیم پرداخت.

قبل از شروع، باید نوع عقلانیت مورد نظر خود را روشن کنیم. به یاد داشته باشید که تمرکز ما بر ایمان گزاره‌ای است - ایمان به اینکه جمله یا گزاره ای درست است. از آنجا که تمرکز ما ایمان گزاره ای است - و نه افعال ایمانی، که در بخش بعدی درباره آنان بحث خواهیم کرد - طبیعی است که [مرحله بعد] تمرکز بر آنچه فیلسوفان عقلانیت معرفتی^k نامیده‌اند، باشد. عقلانیت معرفتی نوعی عقلانیت است که با باور و دانش موجه در ارتباط است. یک باور عقلانی معرفتی، ویژگی هایی مانند مبتنی بر شواهد بودن، شکل گیری قابل اعتماد باور، نامزدی معرفتی [برای داشتن دانش] و نتیجه یک فرآیند قابل اعتماد است. نمونه های الگو باورهایی که از نظر معرفتی عقلانی نیستند، باورهایی هستند که مبتنی بر آرزوها، تعمیم‌هاش شتاب زده یا باورهایی هستند که در نتیجه وابستگی عاطفی شکل گرفته اند.

بنابراین، پرسش ما این است: ایمان چگونه می تواند از نظر معرفتی عقلانی باشد و فراتر از شواهد باشد؟ در این بررسی، سه پاسخی را که فیلسوفان در مورد آن بحث کرده اند در نظر خواهیم گرفت.

(1) ایمان مبتنی بر گواهی [افراد] است.

(2) شواهد میزان اعتماد به نفس ما را تغییر می دهد، اما ایمان ما را متزلزل نمی کند.

(3) شواهد سهل انگارانه است، به این معنی که می توانیم به روش های مختلف به آن از لحاظ عقلانی پاسخ دهیم و تصمیم می گیریم نگرش با ایمان را انتخاب کنیم.

هر کدام از موارد فوق را به نوبت بررسی میکنیم.

ایمان و گواهی افراد

انواع بسیاری از شواهد و منابع وجود دارد. آگوستین، لاک، آنسکومب و زاگسبسکی معتقدند که ایمان متمایز است زیرا براساس نوع خاصی از شواهد استوار است: گواهی.^۶ گواهی افراد، گزارش شخص دیگری مبنی بر درست بودن چیزی است. ایمان دینی ممکن است براساس گواهی خدا یا گواهی رهبران دینی باشد. ایمان میان فردی ممکن است براساس گواهی دوستان یا خانواده ما باشد. این دیدگاه این ایده شهودی را تبیین می کند که ایمان و اعتماد ارتباط تنگاتنگی دارند. فرض کنید شوهرم قول داده در فرودگاه به دنبال من بیاید. من ایمان دارم که او به دنبال خواهد آمد زیرا به او اعتماد دارم. ایمان من بر اساس گواهی او است.

داشتن ایمان بر اساس گواهی اشخاص غیرعقلانی نیست. گواهی منبع بسیار مهمی در معرفت است و بدون آن، بسیاری از دانش جغرافیایی، علمی و روزمره خود را از دست خواهیم داد. بیشتر باورهای علمی ما مبتنی بر آزمایشاتی نیست که ما خود انجام داده ایم بلکه براساس نتایجی است که توسط دانشمندان گزارش شده. ما به گواهی آنها اعتماد داریم. همینطور بر اساس گواهی، ما به حقایق جغرافیایی در مورد شکل کره زمین و به چیزهایی درباره کشورهای دیگر باور داریم، با اینکه هرگز خود به آنجا سفر نکرده ایم. در خیابان از مردم آدرس می پرسیم و خانواده و دوستانمان را هنگامی که گزارش چیزی را ارائه میکنند، باور می کنیم. گواهی افراد منبع بسیار مهمی برای شواهد است که بدون آن، در موارد بسیاری در جهل خواهیم بود.

با توجه به اینکه گواهی افراد تا این حد حائز اهمیت است، سخت میتوان فهمید که چگونه در این دیدگاه، ایمان فرای شواهد میرود. چنانچه گواهی از شواهد ما است و ایمان بر اساس گواهی استوار است، آیا ایمان صرفا بر اساس شواهد نیست؟ تصور میکنم که در این مورد، بهترین پاسخ این است که ایمان مبتنی بر گواهی فراتر از منابع خاصی از شواهد است. در برخی موارد، برای ادامه دادن چیزی جز گواهی افراد را در اختیار نداریم. ممکن

^۶ برای اطلاعات بیشتر در مورد ایمان و گواهی افراد، بنگرید به:

Augustine of Hippo (1892 [391]). 'On the Profit of Believing'. In A Select Library of Nicene and Post-Nicene Fathers of the Christian Church: St Athanasius: Select Works and Letters, trans. P. Schaff and H. Wace. New York: Christian Literature Company, 347–66.

همچنین بنگرید به:

Anscombe, G. E. M. (2008). 'Faith'. In M. Geach and L. Gormally (eds.), Faith in a Hard Ground. Exeter: Imprint Academic, 11–19.

و در نهایت به:

Zagzebski, Linda Trinkaus (2012). 'Religious Authority'. In L. T. Zagzebski, Epistemic Authority: A Theory of Trust, Authority, and Autonomy in Belief. Oxford: Oxford University Press, 181–203.

است وقت تایید چیزی را نداشته باشیم یا اینکه شواهدی فراتر از گواهی افراد در دسترس نیست. شواهد ما ممکن است خوب باشند اما عالی نباشند - حتی ممکن است در اعتماد به کسی شک کنیم. در مواردی از این دست، زمانی که انتخاب میکنیم حرف شخص را قبول کنیم، فراتر از شواهد می رویم، حداقل به این معنا که برای باور گواهی شخص، به شواهد مستقل و تأیید کننده احتیاج نداریم. به عنوان مثال، من تصمیم می گیرم که به گواهی شوهرم اعتماد کنم که او [در فرودگاه] به دنبال خواهم آمد ، حتی اگر قولی که او داده با شواهد دیگر پشتیبانی نشود.

آنچه گفته شد به این معنا نیست که ما همیشه باید به گواهی افراد اعتماد کنیم. اگر دلیل خوبی داریم که فکر می کنیم کسی گج شده است یا دروغ می گوید، نباید به او اعتماد کنیم یا به این ایمان داشته باشیم که آنچه او می گویند درست است. با این حال، اگر ایمان شامل پذیرفتن حرف های کسی باشد و دلیلی برای بی اعتمادی به این شخص نداشته باشیم، ایمان می تواند عقلانی باشد اما فراتر از انواع خاصی از شواهد برود.

ایمان و اعتماد به نفس

ایمان عقلانی ممکن است با ثابت قدم ماندن حتی وقتی شواهد سطح اعتماد به نفس ما را تغییر می دهند، فراتر از شواهد برود. بحث برانگیز نیست که ممکن است همین مورد درباره باورهای ما به دیگر چیزها صادق باشد - حتی وقتی مدارکی دریافت کنیم که میزان اعتماد به نفس ما را تغییر دهد، می توانیم باور خود را ادامه دهیم. اگر وضعیت هوا را بررسی کرده و ببینیم که فردا فقط 5٪ احتمال بارندگی وجود دارد، باور داریم که فردا آفتابی خواهد بود و به این باور 95٪ اعتماد به نفس خواهیم داشت. با این حال، چنانچه دوباره آن را بررسی کرده و اکنون احتمال بارندگی 10٪ باشد، هنوز هم باور داریم که فردا آفتابی خواهد بود [هرچند] که اکنون کمی اعتماد به نفس کمتری داریم (90٪).

برای ایمان نیز ممکن است چیز مشابهی رخ دهد. دو مثال را در نظر بگیرید. فرض کنید به برادر خود بسیار اعتماد داشته، وی را دوست دارید و ایمان دارید که هرگز مرتکب جرم سنگینی نخواهد شد. با این حال، وی مظنون یک قتل می شود و شواهد علیه او در حال افزایش است. اگر شواهد و مدارک علیه او معقول بوده اما قطعی نباشد، باید نسبت به بیگناهی وی اعتماد به نفس کمتری داشته باشید، اما لازم نیست ایمان خود را نسبت

به بیگناهی او کنار بگذارید. در این حالت ، شواهد اعتماد به نفس شما را تغییر می دهد ، اما ایمان شما را تغییر نمی دهد.

در نمونه دیگر، تصور کنید که سارا ایمان به رخداد معجزه‌ای داشته باشد - شاید تصور کند شاهد رخداد معجزه‌ای بوده است یا ایمان خود را بر اساس گواهی تاریخی بنا نهاده است (مثلاً او ایمان دارد که عیسی از مرگ برخاسته). با این حال، سارا ممکن است از استدلالی علیه معجزات مطلع شود: با توجه به قوانین طبیعت که به طور منظم نظاره‌گر آنان هستیم، وقوع معجزه بسیار بعید است. چنین مدارک مخالفی ممکن است باعث شود سارا نسبت به وقوع یک معجزه اعتماد به نفس کمتری داشته باشد، اما او مجبور نیست که از ایمان خود نسبت به رخدادن این معجزه دست بردارد، خصوصاً اگر در ابتدا مبانی تجربی یا گواهی مطلوبی برای ایمان خود داشته باشد. ایده کلی این است: گاهی اوقات شواهد به اعتماد به نفس ما آسیب می‌زنند. با اینکه اعتماد به نفس ما کاهش می‌یابد، این شواهد ایمان ما را غیر عقلانی نمی‌کند.

البته باید توجه کرد که این به این معنا نیست که ایمان منطقی با هر سطحی از اعتماد به نفس سازگار است. به مثال پیشین بازگردیم، اگر من شواهد قاطعی دریافت کنم که تیم شما به بازی‌های اصلی نمی‌رود آنگاه 100٪ مطمئن هستم که شما نمی‌توانید به بازی‌های اصلی بروید، من باید ایمان خود را کنار بگذارم. دشوار می‌توان گفت که دقیقاً در چه سطح از اعتماد به نفس باید از ایمان خود دست بکشید - این به مواردی مانند رابطه بین ایمان و باور بستگی دارد و افراد مختلف احتمالاً نقاط مختلفی را [برای کنار گذاشتن ایمان] در نظر میگیرند. به نظر من، اگر اعتماد به نفس شما نسبت به این گزاره حدود 50٪ باشد، می‌توانید به طور به درست بودن گزاره‌ای ایمان داشته باشید. در هر صورت ، ایمان عقلانی با تغییر سطح اعتماد به نفس سازگار است و ایمان با وجود مدارک مخالف قادر است ثابت قدم بماند. این دومین راهی است که ایمان عقلانی فراتر از شواهد میرود.⁷

ایمان و سهل‌انگاری

در انتها، ایده سوم را در نظر میگیریم: اگر در وضعیتی سهل‌انگارانه باشیم، می‌توانیم ایمان خود را با انتخاب نگرشی وفادار که با شواهد ما سازگار است، نشان دهیم. سهل‌انگاری این ایده است که گاهی اوقات شواهد ما به

⁷ برای اطلاعات بیشتر درباره باور عقلانی، ایمان و اعتماد به نفس، بنگرید به: Jackson, Elizabeth. (2019). "Belief, Credence and Faith." Religious Studies 55(2): 153–168.

صورت عقلانی، چندین پاسخ متفاوت به مدارک موجود را سهل‌انگار میدانند. به عنوان مثال، دو هیئت منصفه در یک دادگاه را در نظر بگیرید که سعی می‌کنند در مورد مقصر بودن اسمیت تصمیم بگیرند. ممکن است هر دو هیئت منصفه مدارک دقیقاً یکسانی داشته باشند - هر دو گواهی یک شاهد عینی را شنیده‌اند، از حقایق یکسانی در مورد اثر انگشت، صحنه جنایت و غیره آگاه‌اند - اما ممکن است یکی از آنها نتیجه بگیرد که اسمیت بیگناه است و دیگری ممکن است به این نتیجه برسد که اسمیت مقصر است. این به معنای غیرعقلانی بودن یکی از آنها نیست. فقط این که گاهی اوقات شواهد پیچیده و ارزیابی آن دشوار است، بنابراین بیش از یک راه برای پاسخ منطقی به آن وجود دارد.

سهل‌انگاری به ویلیام جیمز بازمی‌گردد، وی اظهار داشت که مواردی وجود دارد که در آنان «عقل نمی‌تواند تصمیم بگیرد». در این موارد، جیمز تصور می‌کند که ما می‌توانیم به طور منطقی «جهشی ایمانی»^۱ داشته باشیم. این مثالی است که جیمز برای واضح کردن هدف خود ارائه می‌کند: کوهنوردی را تصور کنید که راه گم کرده و سرانجام راه بازگشت خود به تمدن را بازیابد، اما هنگام راه رفتن، در مسیر خود با شکاف عمیق و گسترده‌ای روبرو می‌شود. فرض کنید برای زنده ماندن، او باید از این شکاف بپرد و واضح نیست که بتواند از این شکاف پرش کند. تخمین وی این است که شانس وی 50/50 است. با این حال، می‌داند که اگر ایمان داشته باشد که با موفقیت پرش خواهد کرد، انرژی و رغبت بیشتری در او ایجاد می‌شود که احتمال پرش بیشتر و موفقیت آمیز بودن آن فرود وی به آن سمت شکاف را افزایش می‌دهد.^۸ این شخص دو گزینه دارد: می‌تواند تسلیم شود و احتمالاً در بیابان بمیرد یا می‌تواند ایمان داشته باشد که پرش را انجام خواهد داد و [به دنبال آن] احتمال پرش بیشتر وی و رسیدن به خانه برای وی را افزایش می‌دهد. وضعیت وی سهل‌انگارانه است: شواهد فعلی او با پرش یا عدم پرش سازگار است. وی ممکن است هر کدام [از نتایج] را باور داشته و عقلانی باشد. چنانچه با ایمان فراتر از شواهد رود، این احتمال پرش بیشتر وی را افزایش می‌دهد. ایمان او [در خود] شواهد خود را ایجاد می‌کند. ایمان او غیرعقلانی نیست، اما وی را به رفتن فرای شواهد ملزم می‌کند.

⁸ James, William. (1987/2011) 'The Will to Believe', in J. Shook (ed.) The Essential William James (New York: Prometheus Books), 157-178.

همچنین بنگرید به:

Bishop, John. (2002). "Faith as a Doxastic Venture." Religious Studies 38: 471-487.

سهل‌انگاری همیشه شامل باورهایی نیست که شواهد خود را ایجاد می‌کنند. مثال دیگری را در نظر بگیرید. ممکن است شخصی در مورد این مسئله که آیا خدا وجود دارد یا نه، خود را در وضعیتی سهل‌انگار ببیند. ارزیابی شواهد وجود خدا پیچیده و دشوار است و براهین مطلوبی از هر دو طرف موجود است. تصور کنید شخصی در وضعیتی سهل‌انگار است، بنابراین می‌تواند به صورت عقلانی به عنوان یک خدا باور (که معتقد است خدا وجود دارد)، به عنوان یک بی‌خدا (که معتقد است خدا وجود ندارد)، یا به عنوان یک ندانم‌گرا (که در مورد وجود خدا تصمیمی نگرفته است) در وضعیتی عقلانی باشد. تصور کنید که آنان تصمیم می‌گیرند به وجود خدا ایمان بیاورند. آنها فراتر از شواهد خواهند رفت، اما غیرعقلانی نخواهند بود، زیرا شواهد آنها به طور عقلانی به آنها اجازه می‌دهد که یک خدا باور باشند. بار دیگر، این موردی است که ایمان عقلانی فراتر از شواهد می‌رود.

به طور خلاصه، سه مورد را بررسی کردیم که ایمان در آنان می‌تواند از نظر معرفتی عقلانی باشد اما فراتر از شواهد برود. اول: ایمان مبتنی بر گواهی است. دوم: شواهد اعتماد به نفس فرد را تغییر می‌دهد اما نیازی نیست که شخص از ایمان خود دست بکشد. سه: شخصی که در وضعیتی سهل‌انگار است و تصمیم می‌گیرد که نگرشی ایمانی به شواهد داشته باشد، نگرشی که در این حالت سهل‌انگاری است اما برآمده از شواهد نیست.

برخی از این حالات ممکن است همزمان چندین مورد از آنها را شامل شود. مثلاً فرض کنید نامزد کرده و به زودی ازدواج خواهیم کرد. در این حالت، ایمان دارم که من و نامزد من با یکدیگر بسیار سازگار هستیم و تعهدمان به یکدیگر را در سختی و آسانی ادامه خواهیم داد. دلیل اصلی ایمان من به نامزد من، گواهی او است. من به نامزد من اعتماد دارم و او قول داده که به من وفادار باشد. مدتی بعد، مدارک مخالفی دریافت می‌کنم: متوجه می‌شوم که 50٪ از ازدواج‌ها به طلاق ختم می‌شود. اعتماد به نفس من به اینکه رابطه ما موفق باشد، کاهش می‌یابد. مدارک خلاف ممکن است مرا در وضعیتی سهل‌انگار قرار دهد: با توجه به شواهد من، عقلانی است که من به موفقیت رابطه‌مان ایمان داشته باشم، اما شواهد من از لحاظ عقلانی ملزم به داشتن ایمان نیست. چنانچه تصمیم بگیرم که به موفقیت رابطه‌مان ایمان داشته باشم، به شکلی که در بالا توضیح داده شد، فراتر از شواهد رفته‌ام. ایمان من بر اساس گواهی افراد است، [اما] با وجود به اعتماد به نفس پایین من، ادامه می‌یابد و [در این حالت] من در وضعیتی سهل‌انگار هستم. اما ایمان من غیر عقلانی نیست بنابراین، ایمان عقلانی معرفتی می‌تواند فراتر از شواهد برود.

افعال ایمانی

تاکنون ، ما بر ایمان گزاره‌ای متمرکز شده ایم: ایمان به اینکه گزاره‌ای درست است. این نوع ایمان یک حالت ذهنی است - چیزی در ذهن شما ، شبیه به یک باور یا یک خواست (و همانطور که دیدیم، ایمان گزاره‌ای شامل حالات باور-مانند و خواست مانند است). با این حال، ما هنوز افعال ایمانی را در نظر نگرفته ایم - ایمان، نه به عنوان یک چیز در ذهن شما ، بلکه به عنوان یک فعل. به عنوان عملی که انجام می دهید.

البته ایمان گزاره‌ای می تواند به افعال ایمانی منجر شود. در حقیقت، در اکثر موارد، این اتفاق می افتد - ایمان گزاره‌ای که صندلی دفترم مرا نکه می‌دارد باعث می شود که روی آن بنشینم. ایمان گزاره‌ای مبنی بر اینکه شوهرم مرا در فرودگاه سوار می‌کند، باعث می شود به جای سفارش تاکسی، بیرون رفته و منتظر او بمانم. ایمان گزاره‌ای به وجود خدا باعث می شود که من دعا کنم، کتاب مقدس را خوانده، در مجمعی دینی شرکت کنم و به کلیسا بروم.

با این حال ، افعال ایمانی در نوع خود قابل تأمل اند. به این دلیل این که عملی را عقلانی میکند، با آنچه وضعیتی روانی را عقلانی میکند، متفاوت است. برخی اظهار داشته‌اند که ایمان شامل چیزی است که مقبولیت^m نامیده می‌شود. مقبولیت، پذیرش تعهدی است که باید طوری رفتار کنید که انگار چیزی درست است. در حالی که ما معمولاً آنچه را باور داریم می‌پذیریم و آنچه را می‌پذیریم باور داریم، اما گاهی باور و پذیرش از هم جدا می‌شوند. در برخی موارد، پذیرفتن چیزی، حتی اگر شواهد ما نشان دهد که آن چیز بسیار نادرست است، عقلانی است.

دو مثال از این نمونه را ارائه میکنم. فرض کنید شما در یک پرونده قضایی قاضی هستید و شواهد کافی است تا قانونی بودن یک مظنون خاص «فراتر از شک موجه» را ثابت کند. با این حال، فرض کنید مدارک دیگری نیز مبنی بر بیگناه بودن وی در اختیار دارید، اما این مدارک شخصی است، به گونه ای که به طور قانونی نمی‌تواند در دادگاه مورد استفاده قرار گیرد. شاید در باور به مقصر بودن شخص موجه نباشید، اما به دلایل قانونی، باید مقصر بودن وی را بپذیرید و حکم «مجرم» را صادر کنید. مثال دوم را در نظر بگیرید. فرض کنید شما با کودکان خردسال خود در حال نگاه کردن به دریاچه ای یخ زده هستید و آنها می‌خواهند بر روی یخ بازی کنند. ممکن است عقلاً بر این باور باشید که یخ ضخیم و کاملاً ایمن است، اما با این وجود قبول نمی‌کنید که به فرزندانتان

اجازه بازی بدهید و می‌پذیرید که خواهد شکست به این دلیل که [اگر یخ شکسته شده] و بچه‌ها داخل دریاچه بیافتند، تا چه اندازه وضعیت بدتر خواهد شد.

به همان روشی که پذیرش برخی از گزاره‌ها ممکن است عقلانی باشد حتی اگر باور به آن عقلانی نباشد، افعال ایمانی نیز ممکن است عقلانی باشند حتی اگر کسی شواهد کمی برای گزاره مورد قبول خود داشته باشد. به عنوان مثال، ممکن است اشخاص با عمل به یک دین، شرکت در نماز و مراسم دینی و پیوستن به یک جامعه‌ای معنوی، حتی اگر آنها شواهد قاطع در مورد درست بودن بیخدایی داشته باشند، به صورت عقلانی وجود خدا را بپذیرند. این شواهد به معنای آن است که ایمان گزاره‌ای از نظر معرفتی برای آنها غیر عقلانی است، فعل ایمانی هنوز هم می‌تواند عقلانی باشد. فعل عقلانی هم به شواهد ما و هم به آنچه در مرکز ملاحظات است، بستگی دارد و گاهی اوقات فعلی می‌تواند عقلانی باشد اگر کاری را چنان انجام دهیم که انگار درست است، حتی اگر شواهد ما خلاف این را نشان دهند. نکته کلی این است که، حتی اگر ایمان گزاره‌ای از نظر معرفتی غیرعقلانی باشد، فعل ایمانی یا مقبولیت، باز هم ممکن است عملاً عقلانی باشد.

با توجه به این، فهم اینکه چطور افعال ایمانی مبتنی بر مقبولیت ممکن است فراتر از شواهد برود، دشوار نیست. از آنجا که پذیرفتن چیزی حتی اگر کسی شواهد قاطع بر اشتباه بودن آن داشته باشد، عقلانی است، افعال ایمانی بسته به آنچه در مرکز ملاحظات است، به صورتی عقلانی می‌توانند فراتر از و حتی خلاف شواهد بروند. اگر کسی در صورت واقعی بودن [آنچه در مرکز ملاحظات مان وجود دارد] چیزهای زیادی بدست آورد و در صورت نادرست بودن آن چیز زیادی برای از دست دادن نداشته باشد، پذیرفتن آن چیز عقلانی است، حتی اگر صحت آن کاملاً بعید باشد.

در واقع، در آنچه که معمولاً به عنوان «شرط پاسکال» شناخته می‌شود، بلیز پاسکال استدلال کرد که این وضعیت، وضعیت ما در مورد این سوال است که آیا خدا وجود دارد یا نه. اگر کسی به خدا متعهد شود، در صورت وجود خدا چیزهای زیادی برای بدست آوردن فرد به دست می‌آورد - بهشت، رابطه‌ای با خالق سراسر خیر و قدرتمند جهان - و اگر خدا وجود نداشته باشد، شخص چیزهای زیادی برای از دست دادن ندارد. اما اگر کسی به خدا متعهد نشود، اگر خدا وجود داشته باشد چیزهای زیادی برای از دست دادن دارد - به طور بالقوه جدایی

ابدی از خدا - و اگر خدا وجود نداشته باشد چیزهای کمی برای بدست آوردن دارد. بنابراین، حتی اگر کسی فکر کند که بعید است خدا وجود داشته باشد، باز هم پذیرفتن [مقبولیت] وجود خدا عقلانی خواهد بود⁹

گرچه هدف من در اینجا دفاع از استدلال پاسکال نیست، اما جالب است که این احتمال را در نظر بگیریم که اشخاص ممکن است به صورت عقلانی به خدا متعهد شوند، حتی اگر آنها کاملاً به عدم وجود خدا اعتماد به نفس داشته باشند، به این دلیل که آنها چیزهای زیادی برای به دست آوردن دارند و چیزهای زیادی برای از دست دادن ندارند. در این صورت، پذیرفتن وجود خدا می تواند در تنوع بسیار زیادی از موقعیت‌های قرینه‌ای عقلانی باشد. بنابراین، افعال ایمانی حتی بیش از ایمان گزاره‌ای، فراتر از شواهد می‌روند.

نتیجه

ما چهار مولفه ایمان گزاره‌ای را مورد بحث قرار دادیم: ایمان شامل مولفه ای باور-مانند، مولفه‌ای خواست-مانند، تعهد و فراتر رفتن از شواهد است. ما همچنین درباره این که ایمان با باور و امید چه تفاوتی دارد، بحث کردیم - ایمان لزوماً شامل خواست است ولی باور لزوماً چنین نیست و ایمان بیش از امید به شواهد یا اعتماد به نفس نیاز دارد. بعد از آن، در مورد سه دیدگاه ایمان و عقلانیت بحث کردیم: ایمان همیشه غیرعقلانی است، ایمان هرگز غیرعقلانی نیست و [این دیدگاه که] ایمان گاهی عقلانی و گاه غیر عقلانی است. دلایلی دیدیم که [به واسطه آنان] دیدگاه سوم را قابل قبول ترین دیدگاه تصور می‌کنیم.

اگر ایمان گاهی عقلانی است، چگونه می تواند فراتر از شواهد برود؟ سه پاسخ به این سوال را بررسی کردیم. یک: ایمان مبتنی بر گواهی افراد است و شخص فقط بر اساس گواهی افراد، اعتماد به دیگری را انتخاب می کند و فراتر از شواهد می‌رود. دو: شواهد اعتماد به نفس فرد را تغییر می دهند، اما شواهد فرد را ملزم به کنار گذاشتن ایمان نمی‌کند. سه: شخص در وضعیتی سهل‌انگار است و تصمیم می گیرد که با نگرشی ایمانی به این شواهد داشته باشد با اینکه شواهد، ملزم به داشتن این نگرش نیست. همچنین دیدیم که برخی از موارد ایمان عقلانی می‌توانند در یکی از حالات یا در تمامی این سه حالت، فراتر از شواهد بروند.

⁹. Pascal, Blaise. (1958[1662]) *Pensées*, trans. William Trotter (New York: J. M. Dent Co.), fragments 233-241.

همچنین بنگرید به بخش دیگری در همین کتاب:

“Evidentialism and Theistic Pragmatic Arguments” by Jeffrey Jordan .

سرانجام، درباره افعالی ایمانی و تفاوت آنها با ایمان گزاره‌ای بحث کردیم. نکته حائز اهمیت این که، حتی اگر ایمان گزاره‌ای برای کسی غیرعقلانی باشد، افعال ایمانی ممکن است برای او عقلانی باشد. بنابراین، نتیجه می‌گیرم که ایمان گزاره‌ای و افعال ایمانی می‌توانند عقلانی باشند اما فراتر از شواهد بروند.^{۱۰}

مطالعه بیشتر

Bishop, John. (2002). "Faith as a Doxastic Venture." *Religious Studies* 38: 471–487.

Bishop, John. (2016). "Faith." In *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Edward M. Zalta, ed.) <https://plato.stanford.edu/entries/faith/>

Buchak, Lara. (2017). "Reason and Faith." In *The Oxford Handbook of the Epistemology of Theology* (edited by William J. Abraham and Frederick D. Aquino), pp. 46–63. Oxford: Oxford University Press.

Howard-Snyder, Daniel. (2013). "Propositional Faith: What it is and What it is Not." *American Philosophical Quarterly* 50(4): 357–372.

Jackson, Elizabeth (2020). "The Nature and Rationality of Faith." *A New Theist Response to the New Atheists* (Joshua Rasmussen and Kevin Vallier, eds.), pp. 77–92. New York: Routledge.

Pojman, Louis. (1986). "Faith Without Belief?" *Faith and Philosophy* 3(2): 157-176.

Rettler, Bradley. (2018). "Analysis of Faith." *Philosophy Compass* 13(9): 1–10.

Swindal, James. (2021). "Faith and Reason." *Internet Encyclopedia of Philosophy*. <https://iep.utm.edu/faith-re/>

¹⁰ با تشکر از آندرس اکرن، تئو چیا، کریس هولی، جکسون هوارد، ویلیام کلر، روبن دی لیو و براندون ویتاکر برای نظرات مفید آنان برای پیش نویس های پیشین این متن.

^a Interpersonal

از آنجایی که بیشتر واژگان جکسون برآمده از بیشاپ و سهل‌انگاری معرفتی است، تلاش کردم واژه‌ها را یکسان از آن ادبیات در اینجا استفاده کنم.

^b Rational

^c Faith *that* something is ture

^d Propositional faith

^e Desire

^f Acts of faith

^g Belief-like

^h Desire-like

ⁱ Irrational

^j Magic eight ball

توپی است که برای سرگرمی از آن استفاده میکنند. درون توپ مهره‌ای است که با تکان دادن توپ، مهره درون آن هربار به اصطلاح، یک پیش‌بینی را ارائه میکند (همه چیز خوب پیش میرود، مشخص نیست نتیجه چیست، بسیار شک برانگیز است و..)

^k Epsitemic rationality

^l Leap of faith

^m Acceptance